

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

پیامدهای شکل‌گیری کانون‌های نارضایتی در کشور ریشه‌یابی تحرکات کنونی در افغانستان مقاومت بمنظور بقای مدنیت کشور

پوپولیسیم: عوام فریبی ارزان و ضرورت مبارزه علیه لشکرنیابتی
معنا دار کردن وقت‌های فراغت و معاوضه جمهوری با تروریسم
نسخه افغانی جامعه مدرن در وضعیت کنونی
چگونگی مشروعیت داخلی

در جامعه شناسی جنبش‌های اجتماعی، این پرسش مطرح می‌گردد که در چه صورتی نارضایتی‌های اجتماعی به جنبش‌های اجتماعی تبدیل می‌شوند و جنبش‌های اجتماعی از مرحله کردار مقاومت و اعتراض اجتماعی وارد مرحله شکل‌دهی به نوعی از بحران سیاسی عام و فراگیر برای حکومت شده و نوعی همبستگی و بهم پیوستگی را در کلیت جامعه تجربه می‌کنند؟ پاسخ باین پرسش برای نظام‌های سیاسی و نهادهای متولی مدیریت و مقابله با بحران‌های سیاسی بسیار حیاتی بشمار می‌آید تا آنها با درک درست و بهنگام این سازوکارها بتوانند از تکمیل این فرآیند یا چرخه، ممانعت و پیشگیری نموده و مانع گذر از یک مرحله به مرحله بعدی شوند. در واقع در شرایط بحران سیاسی، زمان بندی‌های غالب بر کردارهای مقاومت و اعتراضات مختلف اجتماعی پرسشی مطرح می‌گردد که نارضایتی در یک اجتماع چگونه شکل می‌گیرد؟ ساده‌ترین پاسخی که می‌توان باین پرسش داد، این است کافرادی جامعه اگر حقوقی که حق آنهاست نرسند و احساس کنند باشکال مختلف از آنها ضایع شده است. شکل جدی‌تر بوجود آمدن نارضایتی اجتماعی این است که نارضایتی‌ها نه تنها برای یک فرد در یک اداره و سازمان، بلکه در مقیاس بزرگتری در جامعه بدلائیل مختلف برای تعداد فراوانی از افراد شکل می‌گیرد. این اتفاق را وقتی می‌توان شاهد بود که طی این فرآیند، افراد یک جامعه در امر نایل گردیدن و دستیابی بحق و حقوق از طریق قانون حاکم بر آن جامعه ناکام باشند و این یکی از بزرگترین دلایل شکل‌گیری نارضایتی‌های اجتماعی پنداشته می‌شود.

بانگاهی واقع‌بینانه بنحوه تکوین رویدادها در عرصه‌های مختلف، برخلاف ادعاهای رهبران "طالب"ها، وضعیت امنیتی در شهرهای بزرگ کشور، بویژه در کابل، بگونه‌ای، شکننده بنظر میرسد. جنگجویان "طالب"ها با عملکردها و اقدامات منحصر بفردشان، در واقعیت امر، امنیت روانی و امنیت فزونی شهروندان کشور را عملن سلب نمودند. قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که، رویکار آمدن "طالب"ها بمفهوم خاص کلمه بگونه‌ای منجر بشکل‌گیری کانون‌های نارضایتی و تکه تکه شدن بیشتر شهروندان و تبدیل کشور بمنطق تحت نفوذ گروهای مختلف گردید. ادعاهای مطرح شده از جانب جامعه بین‌المللی و نیروهای موجود در داخل کشور، از جمله یکی هم عدم فراگیر بودن کابینه "طالب"ها می‌باشد. نماینده‌های اقلیت‌های نژادی و قومی در مجموعه تشکیلات دولتی یا اصلن نمایندگی ندارند و یا اگر موجودند، حضور و موجودیت آنها صرفن نمایشی می‌باشد. نبود اراده و عدم اقدام سازنده و قاطع به هدف حل و فصل معضل یادشده، بویژه در امتداد زمانی پس از بقدرت رسیدن "طالب"ها در کشور، برای اقلیت‌های قومی، جز مبارزه، گزینه دیگری اصلن متصور نمی‌باشد. با این وجود، بیشترین بخش سازمانها و دسته بندی‌های ضد "طالب"، آرزومندی‌شان را در امر مبارزه علیه "طالب"ها اظهار نموده

اند، اما هیچگونه تأییدی مبنی بر نبرد واقعی یادشده در جبهه مجازی اصلن وجود ندارد. باین وجود، بسیاری ها هم این پرسش را مطرح می نمایند کآیا جنبش مقاومت بخت و اقبالی خواهد داشت؟ نباید فراموش نمود که بدون معاونت ها و نبود کمک های خارجی، نیروهای مخالف داخل کشور بمشکل قادر به تداوم مخالفت و پایداری علیه "طالب" ها میباشند. جمعآوری وصف آرای جنگجویان بر بنیاد سهمگیری و همکاری گروهی اقلیت های مختلف قومی انجام میپذیرد که در نوع خود، توانایی تشکیل پوتانسیل تهاجمی نیروهای مخالف "طالب" ها را محدود می نماید. اگر "جنبش مقاومت ملی" بر رهبری احمد مسعود، دارای برنامه معین و مشخصی بوده و در صدد ساختار جدید دولتی و حکومتی می باشد، در مقابل، بیشترین تلاش گروه بندی های کوچکتر بر بنیاد موارد منحصر به زیستگاه شان متمرکزی باشد که بگونه نمونه در برگیرنده اجتماعات مربوط به شهروندان هزاره و گروه های نورستانی کشور ما می باشد. گروه های یادشده یا از رهگذر ایدئولوژیک و دیدگاه دینی و مذهبی و یا بدلائل سیاسی قادر بمقاومت سازمان یافته و منسجمی علیه "طالب" ها نبوده و آینده آنها نیز در هاله ای از ابهام قرار دارد.

بلی، گروه های یادشده قادر خواهند بود تا بایجاد کمین گاهایی مبادرت ورزیده و حملاتی را انجام دهند، اما آنها از امکانات نظامی و مالی بمنظور سازماندهی و اجرای عملیات بزرگ و وسیع تری اصلن برخوردار نمی باشند. در شرایط و وضعیت وحدت و یگانگی تحت درفش واحد و دسترسی و حصول پشتیبانی بیرونی و داخلی و ارائه کمک ها و معاونت های گسترده خارجی، امکاناتی بمنظور پیروزی بوجود خواهد آمد. اما هنوز در شرایط کنونی، گزینه یادشده بعید پنداشته میشود، چه، همه از تداوم دیگ جوشان در سرزمین افغان ها راضی بنظر می رسند. در مورد چشم انداز و دورنمای آینده کشور بایست متذکر گردید که در امتداد سال پسین، "طالب" ها توانستند به جمع و جور نمودن قوت های مسلح کشور مبادرت ورزیده، بامور تعلیم و تربیه نظامی توجه نموده، تخنیک محار بوی در کشور را مجددن احیا نموده و بیش از پیش به تثبیت منابع قدرت مبادرت ورزند. بر این بنیاد، اقتدار آنها از جانب هیچ نیرویی تهدید نمی گردد. اما بخاطر باید داشت که سیر بعدی حوادث و وقایع در کشور عزیز ما افغانستان، بیش از پیش به فاکتورهای خارجی وابسته می باشد، بگونه نمونه، اصل برسمیت شناختن بین المللی حاکمیت "طالب" ها و رهایی سرمایه توقیف شده بانک مرکزی کشور، از جمله عمده ترین ها بحساب می آید. در صورت عکس آن، همراه با انفعال سیاسی "طالب" ها، تداوم عملکردهای مخالفان مسلح و اقدامات بنیاد گرایانه "ولایت خراسان"، وضعیت و چگونگی اوضاع اقتصادی - اجتماعی کنونی کشور بیش از پیش متشنج خواهد گردید.

واضح و میرهن است که بدون برسمیت شناختن بین المللی حاکمیت "طالب" ها، در کنار موارد دیگر، از سرمایه گذاری های خارجی در کشور خبری در میان نخواهد بود. تداوم وضعیت فشار و اقدامات تلافی جویانه از جانب برخی از حلقهات "طالب" ها، کشور را از موجودیت کادرهای تعلیم یافته و تحصیل کرده نیز محروم می نماید. وضعیت اینچنینی، سبب کمبودی و فقدان کادرهای متخصص در جامعه گردیده و امرا حیای اقتصاد کشور را با دشواری هایی مواجه خواهد نمود.

بخاطر باید داشت که تعمیق بحران داخلی سیاسی در کشور، به یقین که بویژه برای کشورهای آسیای مرکزی نیز عواقب گسترده امنیتی و بی ثباتی را بدنبال خواهد داشت. دست کم گرفتن امکانات و توانمندی های نیرو های اپوزیسیون و بی اهمیت جلوه دادن تأثیر گذاری های "ولایت خراسان"، بگمان اغلب که در بررسی چگونگی سیر حوادث کشور، از موارد غیر قابل قبول دیگری بشمار می رود.

از هنگام تصرف قدرت و تحت تسلط قرار دادن کشور عزیز ما افغانستان توسط "طالب" ها، بگونه تکراری و همیشگی، از تأمین امنیت سراسری در کشور یاددهانی بعمل آورده و آنرا بمثابه با اهمیت ترین و مهمترین دستا وردهای شان می پندارند. "طالب" ها در پیام منتشره بمناسبت تجلیل و بزرگداشت از ۱۰۳ - مین سالروز استقلال کشور اعلام نموده و یاددهانی بعمل آوردند که پس از بقدرت رسیدن آنها، شهروندان کشور و جهان وجهانیان و همه، شاهد استقرار نظامی مبتنی بر ارشادات اسلامی می باشیم کاین خود، در تاریخ افغانستان بی سابقه می باشد.

اما در این مقطع پرسشی باین شرح مطرح میگردد کآیا بویژه در امتداد یک سال پسین واقفان، صلح و امنیت در اراضی و سرزمین متعلق بکشور عزیز ما تأمین گردیده است؟ در مورد، بایست پرسید که اظهارات "طالب" ها تا چه حدی با حقیقت امر سرسازگاری دارد، تجربه حیات وزندگی روزمره شهروندان کشور، بازگوی واقعیت

های موجود میباشد. نباید فراموش نمود که تأمین امنیت و اسقراروپایه گیری صلح سراسری درکشور بمفهوم وسیع کلمه را انجام انفجارهای کوچک و بزرگ، حملات انتحاری، قتل های مرموز... مورد تهدید قرار می دهد. درامداد ماه پسین، کم از کم چهار عملیات انتحاری انجام گردیده که مسؤلیت آنها را "داعش" برعهده گرفت. علاوه برآن، درحادثه دیگری، قوت های "طالب"ها در امتداد چندین ساعت با جنگجویان "داعش" به درگیری مسلحانه متوسل گردیدند که در نتیجه، شهروندان غیرنظامی محل و منطقه مربوطه، بویژه با شنیدن صدای مهیب انفجارها و شلیک سلاحهای سنگین، تمامی روز را در هراس و دلهره سپری نمودند. آخرین حادثه اینچنینی، بتاريخ ۲۶ ماه اسد سالروان در نتیجه اقدام انتحاری در داخل مسجد "صدیق یار" واقع در منطقه خیر خانه بوقوع پیوست. همچنان، بربنیاد آمار و ارقام ارائه شده مقامات امنیتی "طالب"ها، در نتیجه انفجار در مسجدی واقع در منطقه شمال کابل، بتعداد ۶۰ تن از شهروندان ملکی کشوربهدلاکت رسیدند. همچنان در نتیجه انفجار دیگری در کابل، بتعداد ۲۱ تن از شهروندان کشور جان باخته و بتعداد ۲۳ تن نیز مجروح گردیدند. اما "الجزیره" بربنیاد اطلاعات برخی از منابع خبررسانی اطلاع داد که در نتیجه انفجاریادشده، بتعداد ۲۰ تن کشته شده و بتعداد ۴۰ تن از شهروندان ملکی کشور هم زخم برداشتند. تاکنون هیچ گروهی مسؤلیت انفجاریادشده را برعهده نگرفته اما قیل از آن، "داعش" مسؤل حمله برمسجد یادشده و سایر محلات و مکان های دینی و مذهبی محسوب گردیده و انگشت اتهام، جنگجویان آنرا نشانه می گرفت.

بتاریخ ۵ ماه اسد سالروان، در منطقه دشت برچی، در نتیجه انفجار بمبی که دریک عراده موترسایکل جابجا گردیده بود، خسارت های هنگفت جانی و مالی ببارآمد. همچنان بتاريخ ۲۰ ماه اسد سالروان، در مدرسه دینی شیخ رحیم الله حقانی عضو جنبش "طالب"ها واقع درششدرک نیز در نتیجه انفجاری، شخص نامبرده همراه با برادرش کشته شده و ۳ تن دیگر نیز زخم برداشتند. بازهم "داعش"، مسؤلیت انفجار یادشده را برعهده گرفت. همچنان بتاريخ ۱۵ ماه اسد سالروان، در منطقه "پل سوخته" واقع در غرب کابل، در میان انبوهی از جمعیت شهروندان کشور که مصروف برگزاری مراسم عاشورا بودند، انفجاری بوقوع پیوست که در نوع خود بمثابة یکی از عمده ترین اقدامات خصمانه علیه شهروندان شیعه کشور ما پنداشته شد.

کارکنان بخش های امنیتی "طالب"ها از کشته شدن ۲۲ تن و مجروح گردیدن ۴۳ تن از شهروندان ملکی کشور خبر دادند. مانند همیشه، بازهم "داعش" مسؤلیت انجام انفجار یادشده را متقبل گردید. همچنان شب ۱۴ ماه اسد سالروان، در منطقه شیعه نشین سرکاریز واقع در غرب کابل نیز انفجاری بوقوع پیوست، و این در حالی بود که برگزارکننده های محرم در چندین مسجد "حسینیه" گردهم آمده بودند. انفجار یادشده، بمثابة اقدامی علیه شهروندان شیعه کشور پنداشته شد. مسؤلان امنیتی "طالب"ها در کابل اعلام نمودند که در نتیجه انفجار یادشده بتعداد ۸ تن از شهروندان کشور بهلاکت رسیده و بتعداد ۱۸ تن دیگر هم زخم برداشتند، طبعن، مسؤلیت اقدام پسین را نیز "داعش" برعهده گرفت. همچنان بتاريخ ۱۲ ماه اسد سالروان، در منطقه کارته سخی واقع در غرب کابل، درگیری های مسلحانه ای میان "طالب"ها و جنگجویان "داعش" بوقوع پیوسته و ساعت های متوالی ادامه یافت. باشنده های کارته نامبرده به خبرنگاران اظهار نمودند که "طالب"ها، از منازل و محلات مسکونی شهروندان بمثابة سنگر استفاده نموده و به نبرد با مخالفان مورد نظرشان ادامه دادند. طرف های درگیر با استفاده و کاربرد انواع مختلف سلاح، از جمله با بکارگیری سلاح های سنگین، شهروندان ساکن در محل را در هراس و وحشت قرار دادند. درگیری مسلحانه یادشده حوالی ساعت ۱۱/۳۰ پیش از ظهر آغاز والی ناوقت های شب همچنان ادامه داشت. در این درگیری، بویژه "طالب"ها با استفاده از سلاح های مختلف کار گرفته و با پرتاب بمب های دستی، آرامش محل را برهم زدند.

ذبیح الله مجاهد، سخنگوی رسمی "طالب"ها یادآور شده متذکر گردید که نیروهای امنیتی آنها برهسته ها و مراکز جنگجویان "داعش" در منطقه و محل یادشده یورش برده و بتعداد ۴ تن از آنها را از پا در آورده و یک تن آنها را نیز بازداشت نموده اند. نامبرده متذکر گردید که جنگجویان "داعش" در نظر داشتند تا بر جمعیت گردآمده به مناسبت بزرگداشت از محرم، یورش برده و حملاتی را سازماندهی و اجرا نمایند. در این منطقه که "زیارتگاه سخی" نامیده شده و یکی از مکان های مقدس شهروندان شیعه کشور در کابل پنداشته می شود در حالی که عده ای از شهروندان شیعه کشور در آن مصروف اجرای مراسم محرم بودند یورش و حمله یادشده انجام گرفت. علاوه بر حملات سازماندهی شده و انجام عملیات تروریستی، درامداد ماههای پسین در سراسر اراضی و تمامی قلمرو کشور، قتل ها و ترورهای مرموزی نیز سازماندهی و اجرا گردیده و اما تاکنون هم عاملان آنها مورد

شناسایی قرارنگرفته کابین خود بازگویی گسترش و افزایش جرایم سازمان یافته جنایی درکشور می باشد. بتاريخ ۲۳ ماه اسد سالروان، منابع مطلع در ولایت ننگرهار از موجودیت اجساد شش تن در ناحیه ۶ شهرجلال آباد خبر دادند. اجساد یادشده در کنار سرکی واقع در منطقه "فامیلی خالص" رویهم انبار شده بودند. هویت کشته شده ها تاکنون هم اعلام نگردید. درحالی که مقامات محلی، حادثه و اتفاق یادشده را تأیید می نمایند، اما "طالب" های محلی از ابراز نظر در مورد یادشده خودداری بعمل آوردند.

قبل از این واقعه، سازمان بین المللی حقوق بشر اعلام نمود که پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها در کشور، شهر و ندان ولایت ننگرهار و کنر، اجساد بیشتر از صدتن از افراد کشته شده را در کانال ننگرهار و سایر محلات شناسایی نمودند. علاوه بر آن، در امتداد ماه اسد سالروان، در نتیجه حملات افراد مسلح ناشناسی در ولایت های بادغیس، نیمروز، ننگرهار، هلمند، دایکندی، فاریاب و سایر ولایت های کشور، عده ای از افراد و اشخاص ملکی بقتل رسیدند. همچنان در جریان جنگ و نبرد میان نفرات "طالب" ها و جنگجویان جبهه مقاومت ملی در ولایت های پنجشیر و بغلان، کشته ها و مجروحین بیشماری بجا گذاشته شدند.

پس از حمله بر مسجد "صدیق یار" در شمال کابل که در نتیجه آن بتعداد ۲۵۰ تن از نمازگزاران بخاک و خون کشیده شدند، "یوناما" درکشور اعلام نمود که تعداد قربانیان حادثه پسین، نشاندهنده درشتترین ارقام می باشد. "یوناما" اعلام نمود که که بموازات وخیم گردیدن وضعیت امنیتی درکشور، سازمان ملل، "طالب" ها را مخاطب قرار داده یادآور شد تا اقدامات بیشتری بمنظور حفظ امنیت و جلوگیری از حملات تروریستی درکشور انجام دهند. اما تذکر این مسأله لازمی پنداشته می شود که "داعش" بیش از هر زمان دیگری، به سر بازگیری در اراضی متعلق بکشور عزیز ما مبادرت ورزیده و سعی بخرچ داده و با اقدامات تروریستی نیز متوسل می گردد. در این مورد جای هیچگونه شک و تردیدی باقی نمانده که عمده ترین و مهمترین هدف تروریست ها انجام فعالیت های دهشت افگانه و برهم زدن زندگی صلح آمیز شهروندان کشور ما می باشد، "داعش" نه تنها در حال ناپدید شدن نمی باشد، بلکه بیش از هر زمان دیگر، با انجام اقدامات تروریستی، در مجموعه قضایای کشور اعلام موجودیت می نماید.

بگونه نمونه، در آغاز ماه سنبله سالروان، وحشتناکترین حمله تروریستی در ولایت هرات سازماندهی و اجرا گردید که در نتیجه آن مجیب الرحمان انصاری، شخصیت مذهبی در آن ولایت که از "طالب" ها پشتیبانی بعمل می آورد، با وجود اقدامات جدی امنیتی و تحفظی بمنظور تأمین امنیت نامبرده، از زندگی ساقط گردید. بگونه دقیقتر قابل یاددهانی پنداشته می شود که بگفته برخی از دست اندرکاران مسایل امنیتی منطقه، "داعش" و "ولایت خراسان" بمثابة شاخه افغانی آن، بویژه در شرایط و وضعیت کنونی، با وسعت بخشیدن ساحة اثرگذاری شان در صدد اثبات این ادعای شان می باشند که "طالب" ها حتا قادر بدفاع از خویش نیز نمی باشند.

این مسأله، از مدت ها قبل، واضح ومبرهن می باشد که برقراری صلح واستقرار امنیت مطمئن، دوامدار و سراسری درکشور جنگ زده ما بعید بنظر رسیده و اما این واقعیت نیز قابل تذکر پنداشته می شود کاکراسایر پروسه های موجود در این راستا بگونه کنونی ادامه یابد، در آینده قابل پیشبینی، افغانستان صرفن به زیستگاه و محل بود و باش قبایل جداگانه و گروه های قومی و کشوری بگونه تکه های بهم وصل شده مبدل خواهد گردید.

شنبه ۱۹ ماه سنبله سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۱۰ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۲ ترسایی